

بررسی تحلیلی دانش زبان آلمانی زبان‌آموزان ایرانی در مقطع ب از
چهارچوب مرجع مشترک اروپا با نگاهی ویژه به خطاهای زبان‌آموزان
ایرانی در به‌کارگیری واژگان و ترکیبات ثابت واژگانی در زبان آلمانی
سید سعید فیروزآبادی^۱، سیما مقتدر^۲

چکیده

اهمیت واژگان در گفتار و نوشتار به حدی است که در صورت عدم وجود واژگان امکان هر مکالمه، گفتگویی و ارتباط با دیگران غیرممکن می‌شود. در مقابل هرواژه‌ای عامل ایجاد و یا حفظ ارتباط نخواهد شد، چه بسا که به‌کارگیری واژگان نامناسب و اشتباه، حتی موجب قطع ارتباط گفتاری یا نوشتاری و ایجاد سوء تفاهم می‌شود. از آنجایی که تاکنون در اکثر تحقیق‌های صورت گرفته به چگونگی تمرین واژگان پرداخته شده است و با توجه به اهمیت استفاده از واژگان و ترکیبات واژگانی صحیح در انتقال و برقراری ارتباط با مخاطب و در راستای بهبود و ارتقاء سطح آموزشی مؤسسات آموزش زبان آلمانی، مقاله حاضر خطاهای زبان‌آموزان ایرانی در مقطع ب از چهارچوب مرجع مشترک اروپا برای زبان‌ها بررسی می‌کند. معیار این بررسی پژوهش میدانی صورت گرفته در ابتدای سال ۱۳۹۸ در یکی از مؤسسات آموزش زبان آلمانی است که نشانگر نوع و میزان خطاهای زبان‌آموزان بزرگسال ایرانی در به‌کارگیری زبان آلمانی می‌باشد.

واژگان کلیدی: آموزش زبان آلمانی، واژه سازی در آلمانی، واژگان و ترکیبات ثابت
واژگانی در آلمانی، تمرین واژگان، تحلیل خطا

دوره هجدهم شماره ۲۷، پاییز و زمستان ۱۴۰۰

۱. استادیار دانشکده زبان های خارجی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی (نویسنده مسئول)
ایمیل: sfiruzabadi@yahoo.de

۲. دانشجوی دکتری آموزش زبان آلمانی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی
ایمیل: simamoghtader@yahoo.com

مقدمه

زبان وسیله‌ای است جهت ایجاد و برقراری ارتباط با سایرین، چراکه عموماً زندگی آدمی در گرو همزیستی و مصاحبت با یکدیگر معنا می‌یابد. لازمه ایجاد و حفظ روابط انسانی، سخن‌گفتن به زبانی یکسان و یا به عبارتی درک زبان یکدیگر است. علاوه بر این، امروزه لزوم ارتباط با سایر ملل در راستای تبادل و توسعه تجربیات علمی و فرهنگی، یادگیری حداقل یک زبان بیگانه علاوه بر زبان مادری را جهت ارتباط با سایر ملل ضروری می‌نماید، ارتباطی که مشروط به تسلط زبانی است. جامعه ایران نیز از این امر مستثنی نیست و تعداد افرادی که به دلایل شغلی، تحصیلی، تجارت، علایق شخصی و غیره علاقمند به یادگیری زبان آلمانی می‌شوند روبه افزایش است، امری که با توجه به تفاوت‌های گسترده این زبان با زبان مادری آن‌ها و انگلیسی بعنوان اولین زبان بیگانه آشنا برای این زبان آموزان، به سادگی صورت نمی‌گیرد و عواملی مثل به‌کارگیری روش صحیح آموزشی، کتاب آموزشی مناسب، تمرین و مطالعه پیوسته آن‌ها نقش به‌سزایی دارد. در اوایل قرن بیستم میلادی یادگیری زبان بیگانه مطابق الگوی یادگیری زبان لاتین و با تکیه بر لزوم یادگیری قواعد دستوری و اصول ترجمه صورت می‌گرفت (Neuner und Hunfeld 19).

در سال ۲۰۰۱ میلادی و با اعلام چهارچوب مرجع مشترک اروپا برای زبان‌ها معیار تسلط زبانی تغییر کرد. براساس این چهارچوب تسلط زبانی زبان آموزان در سه سطح الف، ب و ج رده‌بندی شده و احراز قبولی در هر یک از سطوح منوط به تسلط بر کلیه موضوعات زبانی شامل درک مفهوم متن، دانش دستوری و واژگانی در کنار تسلط به نگارش و مکالمه مطابق سطح مورد نظر است. هدف از مشخص نمودن چهارچوب مرجع مشترک، سنجش توانایی زبان آموزان براساس چهارچوب مشخص شده و امکان مقایسه مدارک اکتسابی زبان در اتحادیه اروپا بوده است.

از دیدگاه متخصصین امور آموزشی تسلط واژگانی و به‌کارگیری واژگان صحیح در ایجاد ارتباط صحیح زبانی از اهمیت خاصی برخوردار است. براین اساس بر ضرورت یادگیری و تمرین واژگان و ترکیبات ثابت واژگانی در دوره آموزشی تاکید می‌شود و اکثر مدرسان به طرق مختلفی مثل توصیه به یادگیری از طریق حفظ واژگان، بهره‌گیری از تصاویر و رنگ‌های مختلف و غیره به ضرورت این امر توجه دارند (Bohn 6). اهمیت استفاده از واژگان صحیح و تسلط واژگانی به حدی است که اکثر ناشرین بنام

کتاب آموزش زبان آلمانی در مقالات کمک آموزشی منتشره خود به ارایه راهکارهای به روز در آموزش و فراگیری واژگان می‌پردازند. زیرا با تقویت قدرت حفظ و فراخوانی واژگان در زبان آموز، مکالمه‌ای روان و صریح شکل می‌گیرد. گنجینه واژگان زبان آموزان محدود به واژگان یادگرفته شده نمی‌شود بلکه فراخوانی سریع آن‌ها از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. عموماً گنجینه‌واژگانی شامل انواع واژگان مرتبط با یکدیگر به شکل یک شبکه در حافظه بلند مدت حفظ و نگهداری می‌شود (Schauf 1).

مقاله حاضر براساس پژوهش میدانی انجام شده است در اوایل سال ۱۳۹۸ خطاهای زبان آموزان ایرانی را در مقطع ب از چهارچوب مشترک اروپا برای زبان‌ها در حوزه تسلط واژگانی و ترکیبات ثابت واژگانی در زبان آلمانی تحلیل می‌کند. علت انتخاب مقطع ب در این تحقیق در محدود بودن گنجینه واژگان و ترکیبات ثابت واژگانی در مقطع الف است. زبان آموزان در مقطع الف در سطح پایه یادگیری زبان آلمانی هستند و دانش واژگانی آن‌ها به حدی محدود است که انتخاب واژه صحیح و یا خطا در ساخت واژه‌های جدید در این مقطع کاربردی ندارد. زبان آموزان مقطع «ج» نیز دوره‌های پایه و دشوار میانی فراگیری زبان آلمانی را پشت سر گذاشته و عملاً آموخته‌های خود را با مطالعه انواع متون و ممارست بیشتر در راستای ارتقاء به سطح زبان مادری تقویت می‌کنند. هدف از پژوهش صورت گرفته پاسخ به سوالات زیر می‌باشد:

۱. آیا تسلط زبانی زبان‌آموزان ایرانی در سطح ب در حوزه به‌کارگیری واژگان و ترکیبات ثابت واژگانی صحیح، مطابق با تعریف ذکر شده در چهارچوب مرجع مشترک اروپا برای زبان‌ها است؟
۲. بارزترین خطاهای زبان‌آموزان ایرانی در مقطع ذکر شده چه خطاهایی بوده و علت بروز آن‌ها چه عاملی است؟
۳. آیا آگاهی از نوع خطاهای زبان‌آموزان، پیشگیری از آن‌ها را ممکن می‌سازد؟

پیشینه پژوهش

با توجه به اهمیت به‌کارگیری واژگان صحیح و ترکیبات ثابت واژگانی در زبان آلمانی اکثر فرهنگ‌های کاربردی و به‌نام آلمانی علاوه بر توضیح معنایی هر واژه، چند نمونه جمله نیز به‌عنوان شاهد می‌آورند. تعریف واژگان در قالب جمله دنبال‌کننده دو هدف مهم و اساسی است، نخست آنکه واژگان به‌تنهایی و خارج از جمله، معنایی ملموس و کاربردی

نخواهند داشت و عملاً یادگیری و ماندگاری آن‌ها در ذهن زبان‌آموز منتفی است، علاوه بر آن، ذکر جملات کوتاه در توضیح واژه‌ها، نشانگر چگونگی کاربرد صحیح آن‌ها در کنار حروف اضافه و افعال می‌باشد. به‌طورمثال برای واژه *der Zahn* در زبان آلمانی به معنی دندان آمده است: *man sollte die Zähne regelmäßig putzen* (PONS 1609) و یا برای واژه *der Führerschein* به معنی گواهینامه رانندگی جمله (*den Führerschein machen* DUDEN UNIVERSAL 546) ذکر شده است. این جملات ضمن ارائه تعریف ملموسی از واژه موردنظر به زبان‌آموز یادآور می‌شوند که معادل فعلی صحیح برای «مسواک‌زدن و یا شستن دندان» *putzen* و یا «گرفتن گواهینامه رانندگی» *nehcarn* است. در راستای اهمیت یادگیری واژگان و ترکیبات ثابت واژگانی مطالب و روش‌های مختلفی در موضوع تمرین واژگان در قالب محتوای درسی ارایه شده است. مقاله شماره یک منتشره در دوفصلنامه نقدزبان و ادبیات خارجی دانشگاه شهیدبهبشتی به جایگاه اجزاء نقش‌دار جمله و رعایت ترتیب مبتنی بر ساختار نحوی برای تشکیل جملات صحیح پرداخته (*Aliakbari*) و مقاله شماره ۱۹ منتشره در دوفصلنامه مذکور به بررسی جایگاه کلمات و ترتیب سازه‌های جمله در زبان آلمانی پرداخته است (*Sobhani*). هیچیک از مقالات مذکور اشاره‌ای به چگونگی ساخت کلمات در دوزبان فارسی و آلمانی و یا مواردی که عامل بروز خطا در فرآیند بکارگیری واژگان در جمله می‌شوند ندارد. علاوه بر آن نگاهی اجمالی به عناوین پایان‌نامه‌های مقطع کارشناسی ارشد آموزش زبان آلمانی موجود در بانک اطلاعات الکترونیکی دانشگاه‌ها حاکی از آن دارد که در اکثر پایان‌نامه‌ها موضوعاتی چون ساخت افعال، ساخت اسامی ترکیبی در زبان آلمانی و یا بررسی خطاهای زبان‌آموزان در به‌کارگیری حروف تعریف (آرتیکل) در زبان آلمانی بررسی شده است. لیکن تاکنون پژوهش‌میدانی در ارتباط با بررسی توانایی و نوع خطاهای زبان‌آموزان ایرانی در حوزه واژگان و ترکیبات ثابت واژگانی در هیچیک از سطوح الف، ب و ج چهارچوب مشترک اروپا صورت نگرفته است. گرچه بررسی نتایج پژوهش‌های میدانی از این دست در راستای ارایه روش‌های مناسب آموزشی و یادگیری، بسیار موثر خواهد بود چراکه میزان توانایی تسلط زبانی گروه خاصی از زبان‌آموزان هدفمند مورد بررسی قرار می‌گیرد.

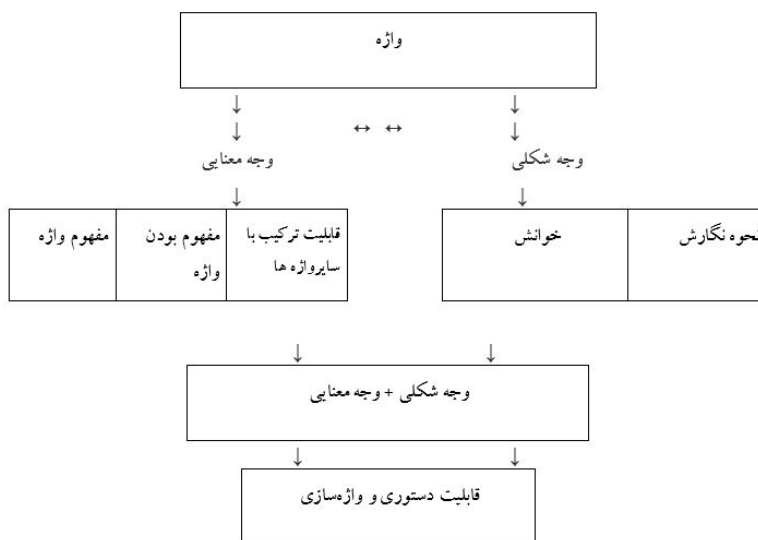
روش پژوهش

باتوجه به لزوم وجود شرایط یکسان در گروه مورد آزمایش جهت دستیابی به

نتیجه‌ای قابل استناد، کلیه زبان‌آموزان مورد پژوهش منحصراً در یکی از مؤسسات آموزش زبان مشغول به فراگیری زبان آلمانی بوده‌اند و همگی تحت شرایط یکسانی برای ارتقاء به سطح بالاتر مکلف به شرکت در امتحان پایان دوره هستند. آزمون پایان هر دوره در سه بخش شنیداری، درک مفهوم متن و دستور به صورت چهارگزینه‌ای برگزار می‌شود و در بخش کتبی زبان‌آموزان مکلف به نگارش متنی در ارتباط با یکی از موضوعات داده شده هستند، ضمن اینکه امتحان به شکل حضوری و بدون دسترسی زبان‌آموزان به فرهنگ لغت و یا استفاده از تلفن همراه برگزار شده است. علاوه بر آن، هیچ‌یک از زبان‌آموزان به این امر واقف نبودند که برگه‌های آزمون آن‌ها معیار سنجش توانایی زبان‌آموزان ایرانی قرار خواهد گرفت. در این پژوهش، پاسخ‌نامه بخش کتبی ۶۶ زبان‌آموز شامل ۵۱ زبان‌آموز خانم و ۱۵ زبان‌آموز آقا در رده سنی ۱۸ تا ۳۰ سال در سطح ب از چهارچوب مرجع مشترک اروپا برای زبان‌ها جمع‌آوری و بررسی شد. پژوهش مذکور ضمن پاسخ به سوالات مطرح‌شده در بخش مقدمه، راهکارهایی جهت ارتقاء دانش واژگانی زبان‌آموزان در مؤسسات آموزش زبان آلمانی ارائه می‌کند.

مبانی نظری پژوهش

عموماً هر شخصی قادر به ذکر تعداد کثیری «واژه» است. اما این واژگان تنها زمانی برای ایجاد و برقراری گفتگو و ارتباط مؤثر خواهند بود که با لحاظ نمودن قوانین مشخص دستوری در کنار یکدیگر قرار بگیرند. رعایت این قوانین در زبان مادری اکثراً غیرارادی و به سرعت انجام می‌پذیرد، به طوری که هنگام استماع متون شنیداری علاوه بر املا واژگان، همزمان معنای آن‌ها نیز در ذهن تداعی می‌شود. در زبان مادری عملاً همگامی و همزمانی درک مفهوم واژگان با چگونگی نحوه نگارش آن‌ها به طور غیرارادی و خودکار انجام می‌گیرد. واژگان، گروه‌های واژگانی و ترکیبات اسمی عموماً هریک دارای دو وجه معنایی و شکلی می‌باشند. وجه معنایی گویای مفهوم و قابلیت ترکیب واژه با سایر واژگان است و وجه شکلی به نحوه نگارش و خوانش واژگان می‌پردازد و به واسطه قابلیت‌های غیردرونی قابل درک است (Bohn 26).



وجه معنایی و شکلی واژگان (26 Bohn)

واژگان بعنوان وسیله‌ای برای بیان واقعیت‌ها و ایجاد ارتباط میان انسان‌ها، به کودک نیز در به‌کارگیری مهارت زبانی در قالب تک واژگانی مانند «آب»، «بابا» و غیره امکان بیان خواسته‌هایش را می‌دهد. واژگان دارای دو محدودیت هستند. در محدودیت نخست که در کلیه زبان‌ها مشهود است، رابطه میان واژگان و معنای واقعی آن‌هاست. به‌طورمثال واژه صندلی برای یک فرد معلول تداعی کننده «صندلی چرخدار» و برای یک دانش آموز «نیمکت کلاس درس» است. محدودیت دوم خاص هر زبان است و ریشه فرهنگی دارد و در آموزش زبان بیگانه نقش به‌سزایی دارد. به‌طور مثال معادل واژه فارسی «نان» در زبان آلمانی das Brot است. «نان» از دیدگاه زبان‌آموز ایرانی به انواع نان سنتی و یا فانتزی اطلاق می‌شود که هر یک دارای انواعی محدود است. اما همین واژه در زبان آلمانی دربرگیرنده حداقل ۱۷ نوع نان مختلف شامل Weizenbrot, Weizenmischbrot, Roggenbrot, Vollkornbrot, Weizenvollkornbrot, Hafervollkornbrot و غیره است. علاوه بر آن، واژگان دارای دو معنای محتوایی و جانبی هستند. در معنای محتوایی فقط معنی واژه ذکر می‌شود. به‌طور مثال در فرهنگ فارسی «سخن» در مقابل واژه «بیماری»

آمده است: «هرگونه نارسایی، آسیب یا اختلال عضوی در جانداران» در کنار توضیح مذکور به واژگانی چون «بیماری ارثی»، «بیماری همه‌گیر»، «بیماری عفونی» و غیره اشاره شده است که به نحوی مرتبط با واژه اصلی بوده و حکم معنای جانبی را دارند. (Sokhan 411)

زبان‌آموز در روند فراگیری زبان بیگانه مقولات دستوری مثل صرف افعال، قیده‌ها و یا جایگاه انواع لغات، املا و حتی تلفظ صحیح آوایی آن‌ها را به مرور زمان و تمرین‌های مختلف می‌آموزد، زیرا موارد مذکور قوانین ثابتی در ساختار زبانی محسوب می‌شوند. درمقابل ساختار واژگانی تغییرپذیر است و مطالعه و یادگیری مداوم و مستمری را می‌طلبد. نمونه بارز آن، ورود واژگان جدیدی مثل «چالش»، «هوشمند» و «قانونمدار» به زبان فارسی است. بسیاری از واژگان جدید در زبان فارسی به دنبال تغییرات در عرصه علوم و فنون، فرهنگ، ورود زبان‌های دیگر، ترکیب غیراصولی اسامی با یکدیگر، ترکیب و یا اشتقاق اصولی ساخته می‌شوند. کلیه عوامل مذکور در روند فراگیری زبان بیگانه تسلط و اشراف هرچه بیشتر زبان‌آموز را به واژگان می‌طلبد. گنجینه واژگانی زبان‌آموز شامل «واژگان جاری و مورد استفاده» و «واژگان ضبط شده در حافظه بلندمدت» می‌شود (Bohn 23-24). واژگان جاری و مورد استفاده شامل واژگانی می‌شوند که زبان‌آموز آن‌ها را در نگارش و مکالمات خود مکرر به کار می‌برد. در مقابل واژگان حفظ شده در حافظه بلندمدت شامل واژگانی می‌شوند که زبان‌آموز آن‌ها را آموخته است ولی به علت عدم کاربرد، آن‌ها را به مرور زمان فراموش کرده است. عموماً در مقطع ب تسلط واژگانی به ۲۰۰۰ واژگان جاری و مورد استفاده و ۸۰۰۰ واژگان حفظ شده در حافظه بلند مدت ضروری است (Kaufmann 3). بخش سوم از واژگانی که زبان‌آموز با آن‌ها روبه‌رو می‌شود، واژگانی هستند که به واسطه اشتقاق یا ترکیب ایجاد شده و او معنی آن‌ها را بدون اطلاع از ساختار آن‌ها و تنها در بافت متن متوجه می‌شود مانند واژه Baumschule. علاوه بر این بسیاری از واژه‌ها مشابه زبان فارسی از نظر شکلی یکسان می‌باشند ولی دارای معانی متفاوت هستند مثل «کوفته» در معانی «خسته و ناتوان» و «نوعی خوارک» و یا دوش به معانی «کتف» و «دیشب». این اسامی یادگیری واژگان را برای زبان‌آموز دشوار می‌کنند و تسلط زبان‌آموز را به معانی واژگان در ترکیب‌های مختلف می‌طلبد. به‌طور مثال در زبان آلمانی واژه die Bank دارای دو معنای «بانک» و «نیمکت»، واژه das Schloss دارای معانی «قفل» و «کاخ» است که

معنی مورد نظر منحصراً در ساختار جمله و بافت متن مشخص می‌شود. با توجه به موارد فوق و حیطه گسترده واژگان، آموزش این مقوله به زبان‌آموزان با توجه به اهداف آن‌ها از یادگیری زبان بیگانه و براساس اولویت‌های «رایج بودن»، «قابلیت یادگیری»، «مورد استفاده بودن» و «مفهوم بودن» واژگان صورت می‌پذیرد (Kaufmann 3-4). با وجود اشارات مکرر به اهمیت یادگیری واژگان در فراهم نمودن ارتباط زبانی صحیح و موفق، بررسی توانایی‌های زبان‌آموزان ایرانی نشان می‌دهد که آنان خطاهای زیادی دارند. بررسی خطاهای زبان‌آموزان ایرانی تسلط به زبان مادری آن‌ها را می‌طلبد. تا قبل از دهه ۸۰ و ۹۰ میلادی بررسی اشتباهات در حوزه یادگیری زبان بیگانه امری غیرمجاز و ممنوع شمرده می‌شد، گرچه وجود خطا در روند یادگیری زبان بیگانه بخش لاینفک و اجتناب‌ناپذیر در این حوزه محسوب می‌شود و مشخص‌کننده سطح زبانی زبان‌آموزان و راهنمای مدرسان در ادامه تدریس زبان بیگانه است (Bausch 377). حتی کودکان در فراگیری زبان مادری خود مرتکب خطا می‌شوند. خطاهای کودکان خطاهای مثبت محسوب می‌شود زیرا نشان‌دهنده روند مثبت یادگیری زبان مادری است. بعضاً کودکان جمله‌هایی بی‌غلطی ادا می‌کند که تقلیدی از بزرگسالان است و معیار سنجش دانش زبانی آن‌ها محسوب نمی‌شود. بدین ترتیب وجود اشتباه، امری طبیعی و عادی است. زبان‌آموزان نیز در روند یادگیری زبان بیگانه براساس آموخته‌های خود جمله می‌سازند و آموخته‌های خود را به‌نوعی می‌سنجند. گروه دیگری از زبان‌آموزان برخلاف گروه مذکور تمایلی به وجود اشتباه در گفتار و نوشتار خود ندارند، گرچه فاقد دانش زبانی کافی هستند. این خواسته اشتباه، عملاً عدم شرکت آن‌ها در فعالیت‌های کلاسی و انجام تکالیف را به‌دنبال خواهد داشت. زیرا با اجتناب از مکالمه و نگارش مسلماً اشتباهی رخ نمی‌دهد ولی عملاً اشتباهات در ذهن زبان‌آموز ماندگار می‌شود به نحوی که تصحیح آن‌ها گاهی ناممکن است. علاوه بر آن، بسیاری از زبان‌آموزان دارای خطاهای پنهانی و نهفته هستند، که اصولاً با طرح سوالات مکرر و مشخص شدن هدف واقعی زبان‌آموز مشخص می‌شوند. از دیدگاه متخصصین امور آموزشی، خطا در حوزه یادگیری زبان بیگانه به مواردی اطلاق می‌شود که مورد بکاررفته صحیح نباشد، قابل فهم نباشد، متناسب نباشد، غیرقابل تغییر باشد و با توجه به سطح آموخته‌های زبان‌آموز نادرست باشد (Kleppin 20-21).

علت اکثر خطاها متأثر از موارد زیر است:

الف-اجزای زبان بیگانه: در روند یادگیری زبان بیگانه بسیاری از خطاها به علت «تعمیم‌بخشی»، «قانونم‌کردن» و «ساده‌سازی» توسط زبان‌آموز صورت می‌گیرد (Kleppin 32). به‌طور مثال در زبان آلمانی وجه التزامی بسیاری از افعال با افزودن پیشوند ge به فعل ساخته می‌شود، مثل lesen → gelesen و یا gearbeiten → gebeitet. بسیاری از زبان‌آموزان با تعمیم‌بخشی این پیشوند دچار خطا می‌شوند مثل sch-reiben → geschreibt یا reiben → gesprechen و یا بالعکس در ساخت ماضی نقلی مطابق فعل باقاعده مثل lernen → lernte یا arbeiten → arbeitete حتی سایر افعال بی‌قاعده را نیز به شکل افعال باقاعده صرف می‌کنند مثل sehen → sehte و یا tr-treffen → effte. زبان‌آموزان هنگام ساده‌سازی گفتار و نوشتار خود اغلب دچار خطا می‌شوند زیرا گفته‌های خود را پیام‌گونه و به شکل کوتاه بدون رعایت قوانین دستوری ادا می‌کنند، به‌طور مثال در پاسخ Was hast du heute gemacht? اکثر زبان‌آموزان پاسخ می‌دهند: Deutsch lernen, Hausaufgaben schreiben, Fußball spielen.

بتمایل به ایجاد و برقراری ارتباط و معاشرت با دیگران: اکثر زبان‌آموزان برای ایجاد و حفظ ارتباط گفتاری و انتقال خواسته خود به هر شکل ممکن مثل تشریح خواسته خود، بهره‌گیری از حرکات نمایشی، سایر زبان‌های بیگانه و حتی با کمک سایر زبان‌آموزان و مدرس سعی در ایجاد و حفظ ارتباط با زبان بیگانه می‌کنند (Kleppin 34). زبان‌آموزان ایرانی معمولاً از نخستین زبان بیگانه که آموخته‌اند، یعنی زبان انگلیسی کمک می‌گیرند. به‌طور مثال به‌کارگیری مکرر واژه انگلیسی Ok بجای alles klar و یا Hello بجای Hallo. جنبه یادگیری: روش‌های مختلفی که زبان‌آموزان برای یادگیری و تمرین زبان بیگانه به‌کار می‌برند بی‌شک با خطا همراه است (Kleppin 35). به‌طور مثال بسیاری از زبان‌آموزان واژگان را به‌تنهایی خارج از ساختار جمله، بدون حرف تعریف و شکل جمع آن حفظ می‌کنند مثل Saft، Glas و Kuchen.

دعوامل ناشی از دوره‌های آموزشی برای فراگیری زبان بیگانه: اصولاً در طی دوره آموزشی و با یادگیری و تمرین هر نکته جدیدی، آموخته‌های قبلی تحت تأثیر قرار می‌گیرند و برای مدتی به فراموشی سپرده می‌شوند (Kleppin 36). این امر عامل بسیاری از اشتباهات زبان‌آموزان است. به‌طور مثال اکثر زبان‌آموزان ایرانی هنگام یادگیری مجهول، فعل کمکی werden برای ساخت جملات مجهول را جایگزین فعل اصلی werden می‌کنند:

.Das Auto wird gewaschen به جای Ich werde das Auto gewaschen علاوه بر آن در بسیاری از کلاس‌های آموزشی در راستای سهولت درک زبان‌آموزان و با توجه به سطح آموزشی آن‌ها، مدرس جمله‌های خود را در شکل Sie ادا می‌کند (was haben Sie gestern gemacht?) و همین نکته در یادگیری جملات آلمانی امری باعث بروز خطا می‌شود و درک جملات امری برای ihr در آلمانی را برای آن‌ها دشوار می‌کند (Seid bitte leise! و یا Schreibt bitte eure Hausaufgaben!).

هـ عوامل شخصی: عامل بسیاری از خطاها در خود زبان‌آموزان نهفته است. اکثر این خطاها به علت موارد شخصی مثل ناتوانی تمرکز ذهن، مشکلات شغلی، خستگی، کم‌خوابی، بی‌رغبتی و بی‌حوصلگی و غیره پیش می‌آید (Kleppin 37). مثل به‌کارگیری دو فعل schenken و schicken به جای یکدیگر.

و عوامل اجتماعی-فرهنگی: عدم آگاهی زبان‌آموزان از فرهنگ زبان مقصد و عکس‌العمل آن‌ها بر اساس معیارهای فرهنگی خود باعث ایجاد خطا می‌شود، زیرا اکثر معیارهای اجتماعی و فرهنگی و عکس‌العمل‌های مربوط به آن یکسان نیستند (Kleppin 38). به‌طور مثال در اکثر جمله‌های امری فارسی از ترکیب ضمیر سوم شخص جمع و فعل امر دوم شخص استفاده می‌شود (شما بنویس)، در صورتیکه چنین ساختار ترکیبی در زبان آلمانی وجود ندارد.

ز تاثیر زبان مادری و سایر زبان‌های بیگانه یادگرفته شده: خطاهایی که در روند یادگیری زبان بیگانه به علت تأثیر زبان مادری و سایر زبان‌های بیگانه یادگرفته شده بروز می‌کنند، خطاهای تداخل زبانی نامیده می‌شوند (Kleppin 30). علت این خطاها غالباً مقایسه و یکسان شمردن دو زبان با یکدیگر است و در کلیه موارد اعم از مقوله‌های دستوری، گفتاری و نوشتاری دیده می‌شود. در ادامه به چند نمونه از این‌گونه خطاهای رایج میان زبان‌آموزان ایرانی اشاره می‌شود:

۱. در زبان فارسی جملاتی که با فعل «تلفن کردن» ساخته می‌شوند نیاز به حرف اضافه «با» یا «به» دارند، به‌طور مثال «دیروز به مادرم تلفن کردم / دیروز با مادرم تلفنی صحبت کردم». معادل این فعل در زبان آلمانی افعال tel-anrufen و efonieren است. مورد اول عیناً مشابه زبان فارسی است: Gestern habe ich mit meiner Mutter telefoniert. اما فعل دوم کاملاً برخلاف زبان فارسی بدون استفاده از حرف اضافه و تنها با به‌کارگیری مفعول ساخته می‌شود.

شود: Gestern habe ich meine Mutter angerufen. همین نکته زمینه‌ساز بروز خطا در زبان‌آموزان ایرانی است. در زبان فارسی «فکرکردن و اندیشیدن» در ترکیب با «راجع به» (über) ساخته می‌شود. در زبان آلمانی برای denken به معنی فکرکردن و اندیشیدن تنها حرف اضافه an صحیح است.

۲. دو فعل become در زبان انگلیسی و bekommen در زبان آلمانی از نظر آوایی یکسان به گوش می‌رسند درحالی‌که از نظر معنایی هیچگونه مشابهتی با یکدیگر ندارند. علاوه بر آن در زبان انگلیسی پاسخ احوالپرسی به‌طور معمول جمله I am Okey یا I am well/fine است. اکثراً زبان‌آموزان ایرانی با ارجاع به آموخته‌های خود در زبان انگلیسی در مقام نخستین زبان بیگانه، جمله آلمانی خود را به شکل Ich bin gut بیان می‌کنند.

۳. جمله‌های زبان فارسی اکثراً با حرف ربط «که» به یکدیگر ربط داده می‌شوند. معادل لغوی این حرف ربط در آلمانی dass است. اما به لحاظ معنایی، کاربردی و دستوری تفاوت‌های زیادی میان «که» در فارسی و dass در آلمانی وجود دارد. به‌طور مثال در فارسی گفته می‌شود «دیروز شلواری که باهم دیده بودیم را خریدم»، در این جمله «که» ربط دهنده دو جمله به یکدیگر است، بدون اینکه از نظر دستوری تغییری در ساختار جمله ایجاد کند و نیاز به نشان ویرگول هم نیست. اما معادل این جمله در زبان آلمانی به‌هیچ‌وجه با dass ساخته نشده بلکه حرف تعریف اسم مورد نظر جمله را شکل می‌دهد: Gestern habe ich die Hose gekauft, die wir zusammen gesehen hatten. دو جمله آلمانی با حرف تعریف و اضافه نمودن «ویرگول» به یکدیگر ربط داده شدند. علاوه بر آن رعایت زمان افعال در هر دو جمله ضروری است.

با توجه به نمونه‌های ذکرشده در بالا، عدم مطابقت دستورزبان فارسی و آلمانی، گرچه در مواردی یکسان به‌نظر می‌رسد، از جمله عوامل بروز بسیاری از خطاهای تداخل زبانی است.

نقد و بررسی ۶۶ برگ اوراق امتحانی در جامعه مورد پژوهش

در پژوهش صورت گرفته ۶۶ زبان‌آموز بزرگسال با سابقه آشنایی و یا حتی گاهی تسلط به زبان انگلیسی مشغول به یادگیری زبان آلمانی در یکی از موسسات آموزشی زبان

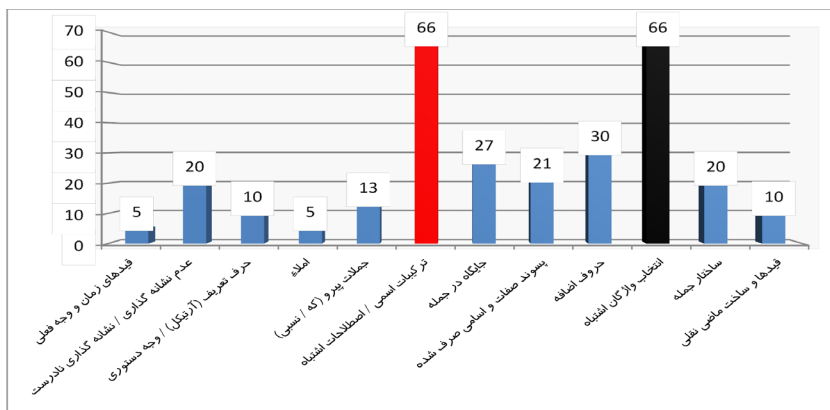
در تهران در امتحان پایان دوره مقطع ب شامل ب ۱ و ۲ از چهارچوب مرجع مشترک اروپا برای زبان‌ها شرکت نموده‌اند. در سیستم آموزشی موسسه مذکور، زبان آموزان طی ۴۲ ساعت یا به عبارتی دوماه و نیم حضور در دوره‌های عادی (دو روز در هفته) یا دوره ویژه (یک روز در هفته) مشغول به یادگیری زبان آلمانی می‌شوند و در پایان هر دوره آموزشی جهت ارتقاء به دوره بعدی مکلف به شرکت در امتحان پایان دوره و کسب حداقل نمره ۷۰ از صد جهت قبولی هستند. در نهایت نمره امتحانی زبان آموزان با در نظر گرفتن فعالیت کلاسی، تعیین‌کننده نمره نهایی خواهد بود. امتحان پایان هر دوره آموزشی شامل پاسخدهی به ۴۰ سوال چهارگزینه‌ای و نگارش یک متن در موضوع داده شده است. در موسسه آموزشی مذکور سطح ب طی ۸ دوره شامل «ب ۱»، «ب ۱+» و «ب ۲» برگزار می‌شود و در پایان مقاطع «ب ۱» و «ب ۲» علاوه بر امتحان کتبی از زبان آموزان امتحان شفاهی به شکل مکالمه و یا شرح یک تصویر، مشابه نمونه امتحانات شفاهی تعریف شده در چهارچوب مرجع مشترک اروپا در این مقطع گرفته می‌شود. در کلیه مراحل آزمون، زبان آموز مجاز به استفاده از فرهنگ لغت، تلفن همراه و سایر لوازم کمک آموزشی و یا مکالمه با سایر زبان آموزان نیست.

مجموعاً از ۶۶ برگ امتحانی تصحیح شده هیچ برگی فاقد خطا نبود. حداقل اشتباهات موجود در هر برگ دو و تنها پنج برگ دارای دو اشتباه است. بالاترین میزان اشتباهات ۱۵ مورد است و در سه برگ امتحانی دیده می‌شود. در یکی اوراق تصحیح شده، جمله زیر آمده است:

Wir müssen im Leben zu jedem vertrauen, deshalb denke ich, v guter Freund ist die beste Auswärtung. Auf Persisch haben wir einen Maxim: wir können den Freund in der Reise und Vertrag kennen

در نمونه مذکور خطاهای واژگانی و دستوری دیده می‌شود، خطاهایی که بیش از حد متعارف در سطح ب هستند. مجموعاً خطاهای موجود در اوراق شامل مقوله‌های دستوری، املائی، نشانه‌گذاری، واژگانی و ترکیبات ثابت اسم و فعل و غیره است. با توجه به بررسی ۶۶ برگ امتحانی و خطاهای موجود در آن‌ها نمودار زیر تنظیم شده است:

بررسی تحلیلی دانش زبان آلمانی زبان‌آموزان ایرانی ...



نمودار انواع خطاهای موجود در ۶۶ برگ آزمون کتبی زبان آموزان ایرانی ۱۳۹۸

با توجه به نمودار فوق خطاهای زبان آموزان به شرح زیر تقسیم می‌شوند:

کمترین میزان خطا مربوط به عدم رعایت اصول درست‌نویسی و رعایت زمان جمله‌هاست. این امر نشان می‌دهد، گرچه شیوه نگارش زبان فارسی با آلمانی به‌عنوان یکی از زبان‌های هندواروپایی فاقد هرگونه شباهتی است، اکثر خطاهای املائی در موارد خاصی مثل «h, e, o, ü, ö, u, k, ck, ß یا ss است:

mit freundlichen Größen / Größen, viel Energy, sie wei-
ben nicht, gesunde Produücke, sehr geerte Frau Schmidt,

ich kann helfen Ihnen im veile Situationsion. In Deutschland
bin ich ein aufländer!

معدود خطاهای زمانی موجود در برگه‌های امتحانی به دلیل عدم تطابق دستوری و معنایی بعضی از قیده‌های زمان در دوزبان آلمانی و فارسی است. این قیده‌ها معادل با قیده‌های فارسی همسان به نظر می‌رسند. به‌طور مثال «als»، «wenn»، «ab»، «seit» و «wann» از جمله مواردی هستند که باعث ایجاد خطا در زبان آموزان می‌شوند:

Seitdem ich o Jahre war, hiltfe √ mein Vater tanzen zu
lernen.

.. weil ich als Kind war, in einem Film oder einer Fernsehserie spielen möchte.

Wir sind von der Kindheit miteinander.

Seit 10 Jahren; hatte ich Gymnastik gemacht.

Ich sehe Ihre Anzeige und gefällt mir.

عدم تسلط کافی بر حرف تعریف اسامی در زبان آلمانی باعث بسیاری از خطاها در به‌کارگیری صحیح مفعول، مفعول با واسطه، مفعول بی واسطه و غیره می‌شود.

Der Artikel finde ich sehr nützlich.

علاوه بر آن نابرابری ظرفیت افعال در دوزبان فارسی و آلمانی باعث بسیاری از خطاها می‌شود. به‌طور مثال در زبان فارسی فعل «منتظر بودن» اغلب با حرف اضافه «برای» استفاده می‌شود. در صورتیکه کاربرد معادل آلمانی این فعل یعنی «warten» فقط با حرف اضافه «auf» صحیح است و همین نابرابری باعث بروز بسیاری از خطاها می‌شود.

Wir müssen viel für ihnen machen

Es ist gut v Freund zu haben, die man vertraut und lebt.

Ich interessiere mich v die Anzeige, weil diese für Junge ist.

Ich warte für Ihren netten Antworten u.

در کمتر از نیمی از اوراق تصحیح شده عدم رعایت اصول نشانه‌گذاری در جملات آلمانی دیده می‌شود. علت اصلی این امر نیز در عدم تطابق قانون نشانه‌گذاری در دو زبان فارسی و آلمانی است. لازمه درستی و درک مفهوم صحیح بسیاری از جملات به‌ویژه جملاتی که با «dass»، «ob»، «obwohl» و غیره در زبان آلمانی ساخته می‌شوند، وجود علامت کاما یا ویرگول در محل صحیح است. اکثر زبان‌آموزان ایرانی با عدم ذکر این نشانه و یا نشانه‌گذاری اشتباه دچار خطا می‌شوند.

Ich denke \vee dass Je mehr man produktiv ~~sein~~, desto bessere Nationen ~~kann man haben~~.

Insgesamt; ist Freundschaft ein Schatz.

باتوجه به اینکه برخلاف زبان فارسی بسیاری از اسامی و صفت‌ها با توجه به وجه دستوری و حرف تعریف و یا حرف اضافه در زبان آلمانی صرف می‌شوند، عدم تسلط کافی در ذکر پسوند صحیح برای اسامی و صفت‌ها تشکیل‌دهنده کمترین نیمی از خطاها است.

.... mit anderem Menschen leben.

Mit großen Interesse habe ich Ihre Anzeige gelesen.

Dort ist ~~eine große~~ Restaurant und

..... fahre ich mit dem Auto ~~des meinen~~ Bruders oder ~~meinem~~ Freundin.

علاوه بر آن گرچه زبان آموزان مورد پژوهش دوره پایه زبان آلمانی را پشت سر گذاشته‌اند، کماکان نیمی از آن‌ها براساس آمار فوق تسلط لازم و کافی بر جایگاه صحیح اسامی، افعال، قیود زمان و مکان و غیره را در جمله‌های آلمانی ندارند.

Also \vee ~~französischen~~ haben viel Lust auf Kinder.

Dann \vee sie wechseln ...

ich Am Freitag \vee ab 17:00 Uhr habe ich Zeit... und ~~kann viele Arbeit machen~~

Wir sind in der Freizeit zusammen und ~~reisen wir~~ zusammen

.Für mich \neq Freundschaft bedeutet alles

Ich bin ~~in~~ der Ansicht, dass enge Freunde eine wichtige Bedeutung ~~hat~~

دقیقاً در نیمی از اوراق تصحیح شده به‌وضوح عدم تسلط زبان آموزان ایرانی بر

حروف اضافه در زبان آلمانی دیده می‌شود، این خطاها شامل کلیه حروف اضافه، اعم از حروف اضافه متغیر در ساختار جملات، حروف اضافه ثابت همراه افعال و یا ترکیبات فعل و واژگانی ثابت می‌شوند :

.Ich möchte dazu äußern

andererseits leben sie in der soziologische Bedingungen ..

Ich interessiere mich persönlich ~~zu dem~~ Thema, weil ich viele ~~Thesen~~ darüber gelesen habe

..... In meiner Meinung

Heute arbeiten wir mit den Menschen, die wir ~~zur~~ Arbeit kennengelernt haben

بالاترین میزان خطا مطابق نمودار فوق مربوط به مقوله دستوری واژگان شامل واژه‌سازی و به‌کارگیری ترکیبات اسم و فعل در زبان آلمانی است که در ادامه به چند نمونه اشاره می‌کنیم:

Weil Kinder in unsere ~~Gemeinsam~~ eine große Rolle ~~spielt~~.

Meine Erfahrung hat mir gezeigt dass Kinder ~~ihre Auswählte emanzipieren~~ können.

... und über verschiedene ~~Betreffen~~ mit Kindern sprechen.

Sie möchten eine bessere Zukunft ~~ausbilden~~.

Kinder können nicht nur die Zukunft ~~von~~ Gesellschaft versichern , aber auch sie können froh zu dem Familie bringen

Ich habe einen Artikel ~~nennen~~ "Konsumkinder" in Ihre Zeitung gelesen.

Fast-Food ist meistens sehr schnell ~~bereitet~~, darum ~~kümmern sich~~ die Küche um die Hygiene Aspekte ~~nicht~~.

Jeder kann seine eigene ~~Beschränke~~ feststellen, wie oft im Mo-

nat Fast-Food zu essen.

Deshalb denke ich, guter Freund ist die beste Auswählung.

Auf Persisch haben wir einen Maxim: Wir können den Freund in der Reise und Vertrag kennen.

Insgesamt, ist Freundschaft ein Schatz. Wir müssen diesen Schatz festhalten.

در مجموع بررسی ۶۶ برگ آزمون نوشتاری زبان‌آموزان ایرانی نشان می‌دهد که آنان استعداد نسبتاً خوبی در یادگیری زبان آلمانی بعنوان زبانی کاملاً متفاوت از زبان فارسی دارند. اما با توجه به مبانی نظری ذکر شده، بررسی اوراق امتحانی و نمودار ارائه شده در این پژوهش، لزوم توجه بیشتر به آموزش مقوله دستوری «ساخت واژگان» و «ترکیبات ثابت واژگانی» به‌وضوح دیده می‌شود. وجود حجم زیاد اشتباهات در مقوله دستوری «واژگان» و «ترکیبات ثابت واژگانی»، توجه بیشتر مدرس را به این مقوله و هدایت زبان‌آموز به مسیری صحیح برای یادگیری و تمرین واژگان می‌طلبد.

نتیجه‌گیری

براساس چهارچوب مرجع مشترک اروپا برای زبان‌ها، زبان‌آموزان مقطع ب باید قادر به به‌کارگیری صحیح زبان آلمانی در سطح پیشرفته و مستقل باشند. درصد بالای اشتباهات در مقوله واژگان و ترکیبات ثابت واژگانی مانع از انتقال مفهوم صحیح به مخاطب و بعضاً باعث ایجاد سوء تفاهم می‌شود. بنابراین پاسخ سوال نخست مطرح شده در این پژوهش حاکی از عدم تسلط کافی زبان‌آموزان ایرانی بر موضوع مورد پژوهش مطابق سطح ب است.

بررسی دقیق خطاها نشان‌دهنده تأثیر مستقیم زبان مادری و زبان انگلیسی در بسیاری از خطاهاست، امری که توجه بیشتر مدرسین زبان آلمانی را می‌طلبد. نفوذ زیاد زبان انگلیسی حتی در مکالمات رسمی و عادی به‌وضوح دیده می‌شود: عباراتی چون «گروه را الفت دادم» (به جای ترک کردم)، «همه چیز اوکی هست» (به جای مشکلی نیست) از جمله این موارد است.

البته مسلماً در فراگیری زبان، مدرس به تنهایی قادر به رفع ابهامات و تداخلات زبانی نخواهد بود و زبان‌آموز خود نیز باید مرتب به دنبال مطالعه، جستجو و یادگیری عبارات

و واژگان جدید باشد. اما مدرس با علم به بسیاری از ابهامات و تداخلات زبانی می‌تواند ضمن به‌کارگیری روش آموزشی صحیح و ارائه راه کارهایی در راستای آموزش و یادگیری صحیح واژگان به‌عنوان راهنمایی کارآمد در این امر در کنار زبان آموز او را در مسیر صحیح یادگیری و تمرین واژگان ترغیب و هدایت کند. اکثر مدرسین کماکان بیشتر به مقولات دستوری می‌پردازند و به‌علت محدود بودن زمان، تمرین واژگان را به خود زبان آموز محول کرده و یا آن‌را به زمان دیگری موکول می‌کنند و این موضوع به مرور به فراموشی سپرده می‌شود. موضوعات دستوری و تمرین واژگان هر دو لازم و ملزوم یکدیگرند و تسلط بر هر مقوله در گرو احاطه کامل بر دیگری است. مدرس باید ضمن تسلط به مدیریت زمان آموزشی که در اختیار دارد، کلیه توانایی‌های زبانی زبان‌آموزان را در هر جلسه آموزشی محک بزند و در هر جلسه مدت زمان بیشتری را به حداقل یکی از توانایی‌ها اختصاص دهد. علاوه بر آن، در هر جلسه آموزشی، مرور غیرمستقیم، پرسش و یادآوری جلسات قبل، زبان‌آموز را به مطالعه و یادگیری دایمی وامی‌دارد. جهت جلوگیری از بسیاری از اشتباهات در حیطه واژگان، آموزش لغات جدید باید هم‌زمان با ذکر حرف تعریف و شکل جمع آن‌ها صورت بگیرد. تمرین واژگان آموخته شده در کنار افعال متناسب با آن‌ها به شکل یک جمله، از احتمال وقوع بسیاری از اشتباهات می‌کاهد، چراکه یادگیری واژگان خارج از ساختار جمله و متن به فراموشی سپرده می‌شود. به‌طور مثال زمانی که زبان‌آموز در سطوح ابتدایی با واژه *der Zahn* به معنی دندان آشنا می‌شود، ذکر جمله «*ich putze meine Zähne drei Mal am Tag*» نشان‌دهنده شکل جمع اسم و فعل متناسب با آن است یا هم‌زمان با به‌کارگیری *der Bus* به معنی اتوبوس ذکر واژه *die Haltestelle* یا *die Bushaltestelle* و به دنبال آن ذکر جمله *Ich warte in der Bushalteselle auf den Bus* به زبان‌آموز استفاده صحیحی از فعل *warten* همراه حروف اضافه صحیح را یاد می‌دهد. هنگام یادگیری افعال نیز ذکر اسامی مربوط به آن فعل در یادگیری اسامی مرتبط با فعل بسیار مفید است. به‌طور مثال همراه با جمله *ich interessiere mich für Sport* در ابتدا حرف اضافه ثابت فعل ذکر می‌شود. علاوه بر آن ذکر جمله *ich habe Interesse an Sport* ترکیب واژگانی ثابت را همراه حرف اضافه لازمه آن آموزش می‌دهد. روند مذکور در سطوح بالاتر آموزشی نیز قابل اجرا است. به‌طور مثال برای «تصمیم‌گیری» علاوه بر *sich entscheiden* ذکر عبارت *eine Entscheidung treffen*، و یا «عقیده داشتن» *eine Meinung vertreten* و «ورزش کردن»

Sport treiben در کاهش خطاهای زبانی بسیار مؤثر است. علاوه بر آن استفاده از وسایل کمک‌آموزشی مثل کارت‌های کوچک حاوی تصاویر جهت ذکر جملات مرتبط با آن در گسترش، یادگیری و تمرین واژگان بسیار کمک می‌کند و درعین حال از یکنواختی و سختی یادگیری واژگان می‌کاهد. جهت یادگیری و ماندگاری بهتر واژگان درسطوح ابتدایی (الف) مقایسه ذهنی و تجسم بسیار مؤثر است. به‌طورمثال در تمرین مرتب نمودن میوه‌هایی مثل «گوجه‌فرنگی، نارنگی، پرتغال، هندوانه، سیب و زردآلو» برحسب بزرگی آنها، زبان‌آموز همزمان تصویری از این اقلام را در ذهن خود تجسم کرده و ارتباطی ذهنی برای آنها می‌سازد. این امر در یادگیری و ماندگاری واژگان بسیار مؤثر است (2, Schauf).

علاوه بر آن، مهم‌ترین عاملی که در یادگیری و حفظ واژگان باید به آن توجه شود رعایت تسلسل واژگان در زبان مادری در غالب یک شبکه مرتبط با یکدیگر به شکل جمله است، چراکه زبان‌آموز در قالب این تسلسل راحت‌تر پاسخگو خواهد بود، به‌طور مثال در موضوعاتی مثل فعالیت‌های مورد علاقه در وقت آزاد یا تعطیلات این تسلسل و ارتباط بسیار مؤثر در به‌کارگیری صحیح واژگان است.

در انتها ذکر این نکته ضروری است که تصحیح خطا و چگونگی آن در روند یادگیری، از نظر آموزشی و روانشناسی از اهمیت به‌سزایی برخوردار است. زیرا عدم توجه به وجود خطا، نتایجی چون ماندگاری خطا، عدم شکل‌گیری و یا توقف مکالمه، سرخوردگی زبان‌آموز و غیره را به همراه خواهد داشت. لیکن بررسی این امر خارج از موضوع مقاله حاضر است و در مقاله مستقل دیگری مورد بحث و بررسی قرار خواهد گرفت.

Problems of the Iranian German learners with learning the German language as a foreign language. An error-analytical examination of the German vocabulary of the Iranian German learners at level B of the CEFR

Saeed Firuzabadi¹, Sima Moghtader²

Abstract

Introduction: Language is a means of establishing and communicating with others because in general, human life means coexistence and companionship with each other.

Creating and maintaining human relationships requires speaking the same language, or in other words, understanding each other's language. In addition, today it is necessary to communicate with other nations to exchange and develop scientific and cultural experiences, learning at least one foreign language in addition to the native language is essential for communicating with other nations, communication is conditional on language proficiency. Iranian society is no exception and the number of people who are interested in learning German for purposes of work, education, business, personal interests, etc. is increasing. Learning German is not easy due to the extensive differences between this language and their native language and English as the first foreign language familiar to Iranians. Therefore, using the right educational method, proper textbook, practice, and continuous study play an important role in learning German.

The present article analyzes the mistakes of Iranian language learners in grade B from the common European framework in the field of lexical mastery and fixed lexical compounds in German, based on field research conducted in early 2019.

The purpose of this research is to answer the following questions:

1. Is the language proficiency of Iranian language learners at level B from the com-

1. Assistant Professor. Faculty of Foreign Languages, IAU. Central Tehran Branch. Iran
(Corresponding Author.)

Ph.D. Student of German Language. Faculty of Foreign Languages, IAU. Central Tehran Branch. Iran 2.

mon European framework in the use of correct vocabulary and lexical combinations in German in accordance with the definition mentioned in the reference framework for languages?

2. What are the most obvious mistakes of Iranian language learners in the mentioned period and what is the cause of them?
3. Does knowing the type of mistakes students make, make it possible to prevent them?

Background of Study : In line with the importance of learning vocabulary and lexical combinations in German, various materials and methods have been presented in the form of course content. A brief look at the titles of the master's theses in German language teaching available in the electronic database of universities indicates that in most dissertations, topics such as verb construction, making compound nouns in German, or check for learners' mistakes in using definite letters in German have been studied.

However, up to now, no field research has been conducted at any of the levels A, B, or C from the common European framework in the field of lexical mastery and fixed lexical compounds in German.

Methodology: In this research, the written answers in test sheets of 66 language learners have been examined. The language learners in the study were all learning German in one of the German language teaching institutes in Tehran

The exams were held in person without any access to the dictionary or mobile phone. This research, while answering the questions mentioned above, provides solutions to improve the lexical knowledge of language learners in German language teaching institutions.

Keywords: Methodology and didactics of the German language; Vocabulary in German; Fixes word combinations in German; Vocabulary practice; Word formation in German; Error analysis

References:

- Anvari, H.: *Das persische Wörterbuch SOKHAN in zwei Bänden*, Sokhan2003 ,
- Barkowski, H. und andere: *Deutsch als Fremdsprache 3*, Langenscheidt, 2012
- Bausch, K.-R. und andere: *Handbuch Fremdsprachenunterricht*, 4. Auflage, A.Francke UTB, 2003
- Bohn, R.: *Probleme der Wortschatzarbeit*, Langenscheidt 1999
- *Critical Language and Literary studies (CLLS)*
- Edmondson, W.-J.: *Einführung in die Sprachlehrforschung*, 3. Auflage, UTB, 2006
- Hallet, W. & Königs G.: *Handbuch Fremdsprachendidaktik*, 2.Auflage, Klett, 2013
- Harden, T.: *Angewandte Linguistik und Fremdsprachendidaktik*, Narr, 2006
- Kaufmann, S. Und andere: *Fortbildung für Kursleitende Deutsch als Zweitsprache, Band 2, Didaktik und Methodik*, Hueber, 2013
- Kaufmann, S. Und andere: *Fortbildung für Kursleitende Deutsch als Zweitsprache, Band 3, Unterrichtsplanung und -Durchführung*, Hueber, 2012
- Kleppin, K.: *Fehler und Fehlerkorrektur*, Langenscheidt, 1998
- Müller, B.-D: *Wortschatzarbeit und Bedeutungsvermittlung*, Langenscheidt, 1994
- Neuner G. und Hunfeld H.: *Methoden des fremdsprachlichen Deutschunterrichts*, Langenscheidt, 1993
- PONS, *Großwörterbuch Deutsch als Fremdsprache*
- Dr. Schauf, S.: "mir fehlen die Worte“, *Klett Tipps*(12/2017) 64
- Schnörch, U.: *Der zentrale Wortschatz des Deutschen Strategien zu seiner Ermittlung, Analyse und lexikografischen Aufarbeitung*, Gunter Narr Verlag Tübingen, 2002
- Schmidt, W.: *Deutsche Sprachkunde*, IFB Verlag, 2008
- Sobhani Bahrami, K.: *Word Order and Constituent Structure in German*, *Critical Language & Literary Studies*, 2017